

شاید مهم ترین اتفاق این ایام را بتوان ارائه گزارش تحقیق و تفحص از وزارت ارشاد دولت خاتمی در صحن مجلس هفتم دانست.

گزارشی که تمام صفت های ریز و درشت ناکامی، فساد و بی برنامگی را در خود داشت. در گزارش انواع تهمت ها به وزارت ارشاد و شخص وزیر وارد گردید. هنرمندان هم به بی دینی، بی اخلاقی، غیرت زدائی، زیر سوال بردن مقدسات و دفاع مقدس، ترویج و آموزش روابط جنسی، طلاق، خودکشی و رابطه های پنهانی و از این دست اتهامات متهم شدند. غیرت زدایی، تبلیغ ناامنی زنان، تبلیغ مشرب های صوفیانه و عرفان وارداتی و خانقاهی، زیر سوال بردن دفاع مقدس، زیر سوال بردن خودباوری ملی، استفاده ضد ارزشی و نمادها و عناوین مقدس با تکنیک های هنری، مطرح کردن فرزندان نامشروع به عنوان امری عادی و غیرقبیح و نفی روحیه استکباری ستیزی از جمله این موارد است. البته این داوری ها دامن بزرگانگی چون نظامی گنجوی را هم گرفته است و منظومه خسرو و شیرین او مصداقی برای ابتدال و ترویج روابط نامشروع و تشریح صحنه های خلاف اخلاق جنسی ذکر شد. در متن گزارش آمده است: "متأسفانه به دلیل فقدان سیاست های اجرایی و نبود نظارت مناسب بخش قابل ملاحظه ای از تولیدات نه تنها در راستای اهداف و سیاست های فرهنگی نظام مقدس جمهوری اسلامی شکل نگرفته بلکه از محتوای سوء فرهنگی و ضد فرهنگی برخوردار بوده است."

اما این گزارش با اعتراض هنرمندان و البته اعضای فراکسیون اقلیت مجلس روبرو شد. شجاع پوریان در این باره نطق پیش از دستوری انجام داد و در آن مطالب مختلفی از ایرادات این گزارش مطرح کرد. او ضمن عذر خواهی از هنرمندان و نویسندگان که به قول دیگر روی نگاه کردن به آنها نمی ماند، گفت: "برای اینجانب به عنوان یکی از نمایندگان مجلس و مخاطب این گزارش با سابقه و بضاعتی مزاجه از فعالیت های فرهنگی، اسباب شرمندگی است که بازتاب انتشار آن در محافل معتبر فرهنگی و هنری کشورمان و در میان فرهیختگان و هنرمندان چیزی جز تأسف، تعجب و گلایه نبود تا جایی که امروز در کمتر مجلس و محفل فرهنگی می توانم سر بر آورم و چشم در چشم اهل فرهنگ و هنر بدوزم که آنان را به بی دینی، بی اخلاقی، غیرت زدائی، زیر سوال بردن مقدسات و دفاع مقدس، ترویج و آموزش روابط جنسی، طلاق، خودکشی و رابطه های پنهانی و از این دست اتهامات، متهم کرده ایم. علی القاعده واکنش نجیبانه اهل هنر در روز ملی خانه سینما خیلی ها را تکان داده است. اهل فرهنگ و هنر آنگاه که سرشار و امیدوار از ملاقات با مقام رهبری و نگاه مشفقانه ایشان، آماج تهمت ها و کژنگری های مندرج در گزارش مذکور می شوند، با بهت و ناباوری می پرسند مگر در این کشور بیش از یک سینما وجود دارد که اینگونه با نگاهی متضاد به آنان نگریسته می شود. یکی قدر داشته ها و دستاوردها را می داند و از جایگاه شخصیتی دلسوز و حکیمی فرزانه انتظارات و تذکرات خود را به گونه ای درخور شان مخاطبین و جامعه فرهنگی اندیشمند ایران، بیان می دارد و جایگاه دیگری با الفاظ باور نکردنی و قضاوتی سطحی و شتاب زده، همه دستاوردها را نادیده می انگارد و فضایی سیاه و تصویری ناامید کننده را نشان می دهد." شاید یکی از بخش های پر درد این گزارش درباره کتاب ها باشد. در مجموع تعداد آثار تالیفی بررسی شده در گزارش حدود ۳۰۰ اثر است که ۲۳۷ مورد آن منفی ارزیابی شده است. تعداد آثار ترجمه شده مورد بررسی حدود ۳۵۰ اثر است که ۲۶۸ مورد آن مساله دار معرفی شده است. آثار بیش از ۴۵۰ نویسنده بررسی شده که بیش از ۳۵۰ نفر آنها منفی قلمداد گردیده است. آثار منتشره حدود ۱۸۰ ناشر بررسی شده که آثار ناشی منفی دانسته شده است.

شجاع پوریان سوال می کند: "آیا با استناد به چنین گزارشی و با چنین داوری هایی می توان ادعاهای طرح شده را اثبات نمود و محتوای حدود ۸۰ درصد کتب منتشر شده را مصداق ابتدال و دهها عنوان مجرمانه دانست؟ یا باید مستند مذکور را مصداق عمل مجرمانه محسوب کرد که با چنین شیوه غیرموجهی بخش اعظم فعالیت اهل اندیشه و قلم را ناسازگار با معیارهای دینی و اخلاقی معرفی و سیاه نمایی می کند؟" این نماینده مجلس هفتم که در دوره قبل عضو کمیسیون فرهنگی بوده است، تأکید دارد: "با عنایت به ادعاهای مشابهی که درباره آثار سینمایی، تئاتر و نشریات مطرح شده روح حاکم بر این گزارش را نگاهی با سوءظن به اهل فرهنگ و هنر و اندیشه و همچنین مدیران و کارشناسان متدین و متعهد این عرصه می دانم که پیش از آنکه مورد استناد قرار گیرد، باید آسیب شناسی شود. زیرا قابل تصور نیست که بعد از گذشت بیش از یک چهارم قرن از انقلاب اسلامی، عرصه فرهنگ این قدر با بی دینی و ابتدال آمیخته باشد."

البته وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در گفتگو با ایلنا این گزارش را سیاسی دانست و گفت: "تحقیق و تفحص حق مجلس است ولی انتظار طبیعی از گزارشی که در نهاد قانونگذاری تهیه می شود، این است که استنادات و داوری های آن بر پایه قوانین و دستورالعمل های مصوب باشد و هر نوع تخطی را در این چارچوب ارزیابی کنند. چنین روالی است که مانع از قضاوت های سلیقه ای، شخصی و جناحی

## گزارش فعالیت ها و رویدادهای فرهنگی ایران

گیسو قفقوری

می‌شود و شائبه برخورد سیاسی را مرتفع می‌سازد. متأسفانه در ارزیابی‌های این گزارش به قوانین استناد نشده است و موارد خلاف قانون با استناد به قوانین روشن نیست. به هر حال منطبق نبودن برخی آثار با ذایقه افراد ملاک عمل دستگاه فرهنگی نیست. نکته دیگر این که برای تهیه گزارش تحقیق و تفحص حتی به مدیران وقت هم مراجعه نشد. عبدالله رمضان‌زاده در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به گزارش تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از وزارت ارشاد دولت گذشته گفت: آقای مسجد جامعی یک شخصیت فرهنگی، مذهبی و شناخته شده است و سابقه دینی، مذهبی مجموعه‌ی ایشان و همکاران‌شان از تمام کسانی که در تهیه‌ی این گزارش تحقیق و تفحص مجلس حضور داشتند، بیشتر است.

وی معتقد است که نگرش موجود در این گزارش، نگرش اقلیتی است که میزان آرای که در انتخابات مجلس کسب کرده‌اند، کاملاً مشخص است. این آقایان و خانم‌ها باید بگویند که چند درصد افراد واجدین شرایط، در حوزه مربوطه به آن‌ها رای داده‌اند، به نظر من این تحقیق و تفحص نشانه یک جهت‌گیری است. ما هنوز از سیاست‌های فرهنگی دولت آقای خاتمی دفاع می‌کنیم. هنرمندان نیز در این مورد اعتراض‌هایی بیان کردند. شاید محکم‌ترین اعتراض از آن هنرمندان و اهالی سینما بود. آنان که می‌خواستند جشن روز ملی سینما را با تکیه بر بیانات رهبری درباره سینما برگزار کنند و انتظارهایشان را از نهادهای تاثیر گذار مطرح کنند، به ناگهان با این گزارش روبرو شدند و بخشی از جشن به انتقاد و جواب‌گویی به این گزارش اختصاص داد. رسول صدرعاملی دبیر جشن گفت: «مسئولان تکلیفشان را با بیانات رهبری روشن کنند آنان موظفند به سینمای ایران کمک کنند»

اصغر فرهادی نیز گفت: «سال هاست که با سینمای ایران هم چون فرزند شروزی رفتار می‌شود انگار باید تمام هزینه‌ها صرف این بشود که این فرزند خلافی مرتکب نشود و رام و اهلی شود. سال هاست نگاه مضطرب و نگران اهالی سیاست به سینما دوخته شده است. اگر طبق گزارش فیلم‌ها دارای این مشکلات هستند، حتما مردم فهیم ما که شایسته این اوصاف هستند نسبت به آن واکنش نشان می‌دادند»

به هر حال هنوز بازتاب‌های این گزارش بین اهالی فرهنگ و اعضای کمیسیون مجلس هفتم ادامه دارد.

### سینما

اگر بخواهیم مسائل مبتلا به سینمای ایران را در این ایام دسته‌بندی کنیم، باز هم به همان مسائل

تکراری همیشگی می‌رسیم: کمبودسالن، ضعف نهادهای مدنی مرتبط در سینمای ایران، فروش فیلم‌ها، سیاست‌های تصویب و اجرا شده و دعوای صنفی و سیاستی است.

اما مهم‌ترین اتفاق این ایام برگزاری دهمین جشن خانه سینما بود. این جشن پایانی بود بر بحران‌های خانه سینما. همه نهادها و گروه‌ها در برپایی آن کمک کردند و به لطف رای‌گیری از اعضای آکادمی خانه سینما کمترین واکنش‌ها به برگزاری جشن صورت گرفت.

### خانه سینما، عبور از بحران

آبان ماه سال ۸۱ پس از جنجال‌هایی که در پی برگزاری جشن خانه سینما آغاز شد و به بازداشت موقت چند تن از اعضای هیأت مدیره این نهاد صنفی انجامید، برای تحولات خانه سینما روزی به یادماندنی بود. در حالی که اعضای هیأت مدیره به قید ضمانت آزاد شده بودند، سینمایی‌ها دور هم جمع شدند و هیأت مدیره جدیدی انتخاب کردند که به تعادل و مدارا متمایل بود تا بتواند از حساسیت‌های ایجاد شده بکاهد و نظر برخی از جناح‌های سیاسی را درباره خود تعدیل کند، اما این وضعیت چندان نپایید و بهار امسال یک باره خبر رسید که سه تن از هیأت مدیره خانه سینما استعفا داده‌اند و بقیه نیز به دنبال برگزار کردن انتخابات دیگری هستند.

چندی بعد حبیب‌الله کاسه‌ساز از سینماگران دفاع مقدس، جایگزین سید ضیاء هاشمی شد که پس از مدت‌ها خالی بودن صندلی مدیر عاملی خانه سینما توانسته بود به این سمت برسد. اما این پایان کار نبود، همه چیز متوقف شد. طبق اساتمامه خانه سینما ظرف ۱۵ روز پس از استعفای هیأت مدیره که اینک تعداد اعضای آن به ۵ نفر رسیده بود، باید مجمع عمومی برگزار می‌شد. زمان تعیین شده، اما خبری نشد.

اعتراض‌ها چنان بالا گرفت که زمینه را برای دخالت دولت فراهم کرد و معاون سینمایی وزارت ارشاد، برای رفع اختلاف و برگزاری مجمع کمیته‌ای سه نفره تشکیل داد: مجید مجیدی، ناصر شفق و احمدرضا درویش. نتیجه تلاش‌های این کمیته انتخاب هیأت مدیره‌ای بود که نگاهش صنفی است و در میان آن‌ها از سینماگران برجسته‌ای دیده می‌شود و نوید دهنده روزهای کم‌اختلاف‌تری است.

هیأت مدیره جدید انتخاب شد نام‌هایی نظیر رضا میرکریمی، رویا تیموریان، محمد سریر، علی معلم، کامران ملکی نشان از حضور آدم‌های صنفی در این زمینه می‌کند.

مسائلی چون حذف کرسی ثابت تهیه‌کنندگان و کارگردانان نیز نوید برابری‌ها را می‌دهد. هر چند

کارگردانان آن قدر متحد بودند که توانستند نماینده خود را برای هیأت مدیره معرفی و صاحب رأی کردن و اختلاف تهیه‌کنندگان در هنگام رأی‌گیری هم وجود داشت. اما سرانجام همه به انتخاب‌های جدید احترام گذاشتند.

بلافاصله هم رسول صدرعاملی کارگردان موفق فیلم‌های نوجوانانه در ایران بر مسند دبیری اولین سال دو رقصی شدن جشن خانه سینما نشست. همه اصناف ۲۹ گانه خانه سینما برای برگزاری یک جشن شاد آماده شدند. از دو روز مانده به جشن نیز نامزدهای مختلف بخش‌های مختلف جشن اعلام شدند تا مثل گذشته همه حاضران سالن ندانند برگزاری چه کسانی هستند و هیچ شور و شوقی وجود نداشته باشد. حتی قرار شد امسال برای جشن فیلم ساخته نشود تا هیجان تا لحظه اعلام اسامی وجود داشته باشد.

جشن دهم با ابتکارهای مختلفی برگزار شد. از حضور مهمان‌های مختلف از تمام شغل‌ها و گروه‌ها چه جوان‌ترین دانشمند انرژی هسته‌ای گرفته تا متخصصان اعصاب. این جشن ضمن تقدیر از کوروساوا و اهدای تندیس به همسر او که یار ۴۰ ساله اش در سینما بوده است، کارگاهی تخصصی هم برپا کرد. هم چنین از فرصت برای توجه به بیانات رهبری هم استفاده کرد و به مساله مبارزه با قاچاق فیلم‌ها نیز پرداخت.

البته قرار بود این جشن بتواند با حضور فیلم‌های مهرجویی و قبادی و چند فیلم دیگر جذاب‌تر برگزار شود اما به دلیل عدم ارائه مجوز به علی ستوری مهرجویی و نیوه مانگ قبادی که هر دو اتفاقاً درباره موسیقی هستند یک مقدار از هیجان‌ات این جشن کم شد و البته باز هم این سوال پیش آمد که نحوه ارزشیابی و نظارت فیلم‌ها چگونه است.

### فروش

سینماگران خوشحال و راضی‌اند و مرتب از فروش بالای چند فیلم‌بدنه می‌گویند. استقبال داغ مردم از سینماها با نمایش فیلم‌های جدید جشنواره فیلم فجر آغاز شده است که به قول مدیران فعلی وزارت ارشاد، هنوز دست پخت مدیران قبلی است. پس از اکران موفق «چهارشنبه سوری» و «درخت هلو» نوبت به یک تازی «آتش بس» رسید. جشنواره فجر امسال نشان داد که نوبت فیلم‌های کم‌دی و اجتماعی است. مثل این که بعضی از تهیه‌کنندگان و کارگردانان، دنیای سیاست و نتایج آن را در دنیای سینما شناخته‌اند و دریافته‌اند که باید چه بسازند که تغییر و تحولات دامانش را بگیرد.

در تابستان حتی فیلمی مانند «چند می‌گیری گریه کنی» هم می‌توانست جذاب باشد، چنان که خاتمی، رییس جمهور پیشین، به موزه سینما رفت و به تماشای آماده شدن یک پیرمرد-منوچهر نوذری-

برای مرگ نشست. یکی از آثاری که در تابستان توانست در کنار انواع فیلم های کم‌دی، مردم را به گریه اندازد به نام پدر "حاتمی کیا بود که توانست با فروش ۴۰۰ میلیونی موفق باشد.

اما وضعیت فروش فیلم‌های خاص تعریفی ندارد، در حالی که در سال‌های قبل ترکیبی از فیلم‌های روشنفکری و فیلم‌های طنز و پرستاره در صدر فهرست قرار می‌گرفتند. دو فیلم خوش ساخت "به آهستگی" و "باغ‌های کندلوس" که با استقبال منتقدان روبرو شد، نتوانستند فروش خوبی داشته باشند، اما آیا این فیلم‌ها در جلب نظر سینما دوستان ناموفق‌اند یا مسائل دیگری در کار است؟ تعداد کم سینماهای اختصاص یافته به این فیلم‌ها و نامناسب بودن سینماها، زمان اکران نامحدود و برنامه‌هایی که برخی تهیه‌کنندگان در پیش می‌گیرند، همه در این ماجرا دخیل هستند، اما گذشته از این نگرانی‌هایی که از برخورد وزارت ارشاد با این نوع سینما در میان سینماگران وجود دارد نیز به تشدید این وضعیت می‌انجامد.

فیلم آتش بس یکی از برندگان بازی تبلیغات-تهیه‌کننده است. از آن به عنوان پرفروش‌ترین فیلم سینمایی این سال‌ها نام می‌برند (می‌گویند یک میلیارد تومان فروش کرده است که رقمی باورنکردنی است). این فیلم در کنار جذابیت‌های زندگی مدرن از حضور ستاره‌هایی چون گلزار و افشار بهره می‌برد و طنز آن نیز به پیشبرد داستان فیلم کمک می‌کند.

می‌گویند بیش از ۳۰۰ میلیون خرج تبلیغات و تهیه این فیلم شده و در حال حاضر با یک میلیون دلار رکورددار است. آن چنان که نیویورک تایمز درباره آن گزارشی نوشت و به یاد آورد بلیت سینما در ایران بین یک تا یک و نیم دلار است.

اما ماجرای فروش فیلم‌ها مدیون اتفاق دیگری هم است؛ برخی از سینماها می‌توانند هر فیلمی را به هر مدتی که بخواهند، به نمایش بگذارند. البته در کنار این باید به تعطیلی شورای صنفی اکران نیز اشاره کرد که گرچه به سود بعضی فیلم‌ها تمام شده، اما بعضی فیلم‌ها هم از این وضعیت متضرر شده‌اند.

### سیاست‌های جدید

دیدار رهبری با اهالی سینما آن قدر از نظر سینماگران مهم است که به غیر از طرح در جشن دهم، آنها بارها و بارها می‌خواهند آن را به مسئولین پایین دست تر و سیاست گذارتر یادآور شوند.

به هر حال سیاست‌های معاونت سینمایی در روزهای اوایل شهریور توانست تعجب بسیاری را برانگیزد. جلوی فیلم گرگ و میش به دلیل یک کلیپ تبلیغاتی گرفته شد و فیلم سرود تولد نیز ۳ روز پس از اکران از پرده‌ها پایین آمد تا صحنه‌های حضور بهمن مفید از آن حذف شود و به صورت جدید اکران شود. راستی چند نفر یادشان هست که بهمن مفید کیست و پیش از انقلاب چه می‌کرده است. راستی چه تعداد بازیگر پیش از انقلاب در سینما حضور داشتند و اکنون نیز هستند.

به هر حال قاسم جعفری که از سریال سازان جوان پسند تلویزیون بود و البته شنیده شد که فعالیت او در تلویزیون ممنوع شده است در نامه‌ای خطاب به معاونت سینمایی نوشت که "موقع شمردن جوجه و آخر پاییز نزدیک است. فراموش نکنیم که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نماز جمعه و در جمع بسیجیان اعلام می‌کند که بسیاری از فیلم‌هایی که بر پرده سینماها اکران می‌شود مطابق با سیاست‌های ما نیستند و مگر ما چه قدر می‌توانیم جلوی فیلم‌ها را بگیریم؟"

اما در بهار امسال سرانجام به بهرام بیضایی هم اجازه ساخت فیلم دادند، اما هیچ کارشناسی این مجوز را آغاز دوره‌ای که در آن امثال بیضایی هم بتوانند به راحتی فیلم بسازند، نمی‌دانست و خود او نیز همین طور. قرار بود او فیلم "پرتگاه" را با تهیه‌کنندگی حمید اعتباریان کارگردانی کند. اگر

همه چیز خوب پیش می‌رفت در شهریورماه فیلمبرداری این فیلم پس از ۶ سال سکوت کارگردانش آغاز می‌شود؛ آرزویی که همیشه با او بوده و خواهد بود، اما دور از دسترس می‌نماید. او می‌گوید: "همیشه فیلمنامه و نمایشنامه می‌نویسم و برای آن‌ها درخواست دریافت مجوز ارائه می‌کنم، اما خبری نمی‌شود. خودم هم کم‌کم دارم فیلمسازی را فراموش می‌کنم. من اگر سرمایه و امکان ساخت فیلم را داشته باشم، حتی یک لحظه هم درنگ نمی‌کنم." خوب این اتفاق هم افتاد و هم نیفتاد. چندی پس از اعطای مجوز خبر رسید که امکان ساخت آن نیست. اما در اوایل مهر امسال باز هم صحبت شد که قرار است بیضایی فیلم خود را بسازد. از اواخر مهر مراحل پیش تولید فیلم آغاز می‌شود. البته علاقمندان او باید صبوری کنند تا آخر ماجرا چه می‌شود. بیضایی سال قبل نمایشی را به روی صحنه برد که روایتی متفاوت از زندگی روشنفکران را به تصویر می‌کشید و اشاره‌ای هم به قتل‌های زنجیره‌ای داشت. استقبال مردم از این اثر آن چنان بود که فصل تازه‌ای در تئاتر آغاز شد. هر چند اجرای نمایش یکباره تعطیل شد. اما انجمن منتقدان و نویسندگان تئاتر در پنجمین جشن خود جایزه کارگردان بالاتر از چهل سال را به او دادند. جایزه‌ای که هر چند بیضایی چون در مسافرت بود نتوانست حضوری دریافت کند و آن را به صورت تامه‌ای کتبی به آنان که زندگی‌شان روایت شده تقدیم کرد. شجاعت این انتخاب نیز البته قابل توجه است.

در کنار مسئله عدم دریافت مجوز می‌توان به اتفاقی که برای فیلم "آفساید" جعفری‌نهایی یا "این سه زن" منیژه حکمت افتاد، نیز اشاره کرد. همه اینها نشان از همان مسائل تکراری عدم ارائه مجوز دارد. آفساید که می‌خواست هم‌زمان با جام جهانی در ایران اکران شود، آن قدر درخواست مجوز داد و با تأخیر روبرو شد که جام جهانی به پایان رسید. اما ناراحت‌کننده‌تر از همه همان قضیه تکراری سی‌دی‌های غیرمجاز است. سی‌دی‌هایی که با قیمت ۵۰۰ تومان فروخته می‌شوند و کیفیت‌شان هم از آنچه در سینمای مطبوعات در جشنواره فجر نشان داده شد، خیلی بهتر است.

این فیلم که به موضوع ورود زنان به ورزشگاه می‌پردازد، در ۲۰ کشور جهان اکران شده است. در کنار این‌ها صحبت‌های وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در همایش رایحه خدمت که به مناسبت اولین سالگرد انتخاب احمدی‌نژاد مطرح شد، قابل تأمل است. او گفته است: از این پس به فیلم‌هایی که مطابق معیارهای دوران قبل از انقلاب ساخته شوند، اجازه نمایش داده نمی‌شود و ساخت فیلم در ایران نیازمند اصلاحات است. برخی فیلم‌هایی که در سال‌های اخیر ساخته شده‌اند، خلاف معیارهای یک جامعه اسلامی هستند و ساخت فیلم در ایران نیازمند اصلاحات است. ساختار کلیه برنامه‌های فرهنگی و هنری بویژه در زمینه سینما در کشور به زودی اصلاح می‌شود و همگان این تفاوت را احساس خواهند کرد.

وزیر ارشاد با انتقاد از عملکردهای فرهنگی گذشته گفت: "کارهای فرهنگی در کشور بخصوص در چند سال اخیر دچار ضعف‌های فراوانی بوده و سامان اصولی نداشته است. اما در دولت کنونی برنامه‌های لازم برای اصلاح این بخش اجرا خواهد شد. دولت در ۹ ماه گذشته تلاش‌های فراوانی در تمام عرصه‌ها کرده و به زودی در عرصه فرهنگ نیز تحولات گسترده‌ای ایجاد خواهد شد." منیژه حکمت نیز با تهدید به سیگار فروشی مجوز ساخت فیلم "این سه زن" را دریافت کرد.

اما این روزها دولت، قوه قضاییه و اتحادیه تهیه‌کنندگان سینما به دنبال مسأله قاچاق فیلم‌ها و عرضه سی‌دی‌های کپی فیلم‌ها هستند. جمع‌آوری سی‌دی‌های فروشان ایرانی نشان از این اتفاق دارد و امید است این موفقیت ادامه پیدا کند.

### استقبال در برلین، طرد شده در کن

هیچ فیلمی از ایران در جشنواره کن اردیبهشت امسال پذیرفته نشد. این

موضوع واکنش‌های گوناگونی برانگیخت. این رویداد در ۱۵ سال اخیر بی‌سابقه بوده است. رفتار سینماگران ایرانی چنان بود که گویی جشنواره کن یکی از جشنواره‌های داخلی ایران است. ۴۰ فیلم سینمایی ایرانی برای این جشنواره ارسال شد، حتی بسیاری از کارگردانان اعلام کردند که فقط برای جشنواره کن فیلم می‌سازند. این عدم استقبال، در حالی که سینمای ایران در یکی دو سال گذشته توانسته بود جایزه‌های اول و دوم را آن خود کند و با حضور کیارستمی در جمع هیأت داوران آبرویی برای خود به دست آورد، مانند تلنگری سینمای ایران را تکان داد. هرچند عده‌ای این مسأله را بی‌اهمیت دانستند و گفتند جشنواره کن تنها یک فرش قرمز است و کلی دوربین و خبرنگار و اصلاً ایران باید جشنواره کن را تحریم کند.

مسئولان جشنواره کن فیلم‌های ایرانی را بدون جذابیت و تکراری و بدون حرف تازه ارزیابی کردند. خوش‌بین‌ترها گفتند ایران بهترین فیلم‌هایش را در جشنواره برلین نشان داده است و دیگر دلیلی ندارد آن‌ها را در جشنواره کن نشان دهیم. در جشنواره برلین ۶ فیلم از ایران انتخاب شد و به نمایش درآمد و مورد استقبال قرار گرفت. آفساید هم خرس نقره‌ای این جشنواره را از آن خود کرد.

ونیز نیز به مانند کن توجهی به ایران نکرد و فقط مخملباف به عنوان داور در آن حضور داشت و یک فیلم به مانند توهم سیب داری. اما کارل وی واری به دو فیلم چهارشنبه سوری و چندکیلو خرما برای مراسم تدفین جوایزی اهدا کرد. مونترال کانادا نیز میزبان ۸ فیلم ایرانی شد.

#### نشر و کتاب

سر و صدای روزنامه‌نگاران فرهنگی و برخی نهادها، افراد و ناشران معترض به ممیزی کتاب در دوره ریاست جمهوری خاتمی انگار این روزها فروکش کرده است، در حالی که ممیزی فروکش نکرده است. شاید چون گوش شنوایی نمی‌شنوند، سکوت کرده‌اند. انگار دیگر عدم ارائه مجوز به کتاب‌ها برای همه عادی شده است. وقتی هم که ناشران و مؤلفانی بیدا می‌شوند که از طولانی شدن زمان دریافت مجوز می‌گویند، مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ارائه آمارهایی مدعی می‌شوند چنین نیست و از آن جا که استخراج این آمارها در انحصار وزارت ارشاد است، حرفی نمی‌ماند. اما حذف یارانه کاغذ سیاستی است که قرار است از سال بعد انجام شود.

#### حذف یارانه کاغذ

حذف یارانه کاغذ اگر چه سال هاست خواسته ناشران بوده و اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران که مهم‌ترین اتحادیه صنفی این حوزه است و مهمترین و برجسته‌ترین ناشران بخش خصوصی در آن عضویت دارند، نیز در گذشته همواره بر این نکته تاکید داشت، اما حذف یارانه کاغذ در دولت نهم با اما و اگرهایی روبه رو شده است. اما و اگرهایی که زمزمه آن با گزارش تحقیق و تفحص مجلس هفتم رنگ دیگری به خود گرفته است. در گزارش که بخش اعظمی به کتاب اختصاص داشت عنوان شده است این کتاب‌ها با بیت‌المال منتشر شده‌اند و این موضوع سبب شد تا وزارت ارشاد دولت نهم از خود در این باره سلب مسئولیت کند.

اما ماجرای یارانه کاغذ به سال‌ها قبل برمی‌گردد. ناشران فعال سال‌ها تقاضا و تلاش می‌کردند این یارانه حذف شود. آنها معتقد بودند با حذف یارانه کاغذ ناشرانی در عرصه رقابت باقی می‌مانند که در این حوزه فعال هستند و البته آنها دوست نداشتند که این کمک از چرخه حمایت ناشران حذف شوند. ناشران بر این باور بودند که کمک‌ها باید به شکل خرید کتاب‌ها یا وام‌های طولانی مدت باشد. اما قضیه اکنون شکل دیگری گرفته است.

هم اکنون در وزارت ارشاد از طرحی صحبت می‌شود که بر اساس آن کتاب‌ها طبقه بندی می‌شود. این طبقه بندی دو گونه است، کتاب‌هایی که تسهیلات به آن تعلق می‌گیرد و کتاب‌هایی که تعلق نمی‌گیرد. در این طرح یارانه و

تسهیلاتی که قبلا به همه کتاب‌ها تعلق می‌گرفت، هم اکنون در اختیار برخی از کتاب‌ها قرار می‌گیرد و ناشران غیر خودی باید با تعداد کمی از ناشران رقابت کنند که سهم آنان از تسهیلات را نیز دریافت کرده‌اند.

### حذف ناشران از نمایشگاه

امسال هم نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران مثل هر سال در اردیبهشت ماه برگزار شد و باز هم علیرغم دعوای فرصت بر باد ده اولیه بر سر مکان، جشن در محل دائمی نمایشگاه‌ها برگزار شد؛ اما میزبانان، میزبانان سال‌های قبل نبودند. گذشته از مدیرانی که تغییر کرده بودند، بزرگ‌ترین تغییر در اجرای بخش داخلی نمایشگاه رخ داده بود که در سال‌های گذشته اتحادیه ناشران و کتابفروشان آن را بر عهده داشت و امسال مدیران وزارت ارشاد تلاش بسیار کرده بودند تا جایگزین مناسبی برای آن بیابند، سرانجام هم آن را به اتحادیه تعاونی ناشران سراسر کشور سپردند که در واقع ترکیبی از ناشران شهرستان‌های مختلف است، زیرا تعاونی ناشران تهران پیش‌تر از عضویت در آن انصراف داده بود. در آستانه برگزاری نمایشگاه، تغییرات معاونت فرهنگی نیز مهم محسوب می‌شد، زیرا معاون فرهنگی در برگزاری نمایشگاه در سال‌های گذشته مهم‌ترین نقش را داشت، نقشی که امسال بسیار کم‌رنگ بود. محمدعلی شماعی که در سال‌های آخر دوره وزارت احمد مسجدجامعی، جایگزین علی اصغر رمضان‌پور شده بود، از معدود مدیرانی بود که به همکاری‌اش با دولت نهم ادامه داد، اما این همکاری مستعجل بود و مسئولیت او در روزهای آغاز نمایشگاه به محسن پرویز داده شد که پیش از آن به عنوان یک سپاهی نویسنده و پزشک شناخته می‌شد و بخصوص در سال‌های اخیر به عنوان یکی از اعضای هیأت مدیره انجمن قلم ایران، حضوری فعال داشت.

### وداع با جان شیفته

بدون تردید بزرگ‌ترین اتفاق در حوزه ادبیات وداع با "م. به‌آذین" بود. به‌آذین فقط چهره‌ای ادبی نبود، بلکه چهره‌ای ادبی - سیاسی محسوب می‌شد. او سال‌هایی از عمر خود را در زندان به سر برد و درباره آن نوشت.

"م. به‌آذین" در شهر رشت به دنیا آمد. دوره ابتدایی و متوسطه را در رشت، مشهد و تهران گذراند. پس از آن به همراهی گروهی از دانشجویان برای تحصیل به فرانسه رهسپار شد و در آنجا در به تحصیل پرداخت و از دانشکده مهندسی دریایی برست (Brest) و دانشکده مهندسی ساختمان دریایی پاریس، گواهینامه پایان تحصیلات دریافت کرد. در بازگشت به ایران در نیروی دریایی جنوب (آبادان - بندرعباس) مشغول کار شد و سپس به نیروی دریایی شمال انتقال یافت. در هجوم متفقین هدف تیراندازی قرار گرفت و به‌سختی مجروح گشت و دست چپش از ناحیه سزشانه قطع

شد.

وی چند سالی در نیروی دریایی تهران خدمت کرد و سپس به عنوان دبیر به وزارت فرهنگ منتقل شد. از آن پس دوران تازه زندگی به‌آذین آغاز شد. او از این دوران به بعد به نوشتن داستان کوتاه، رمان، نقد و ترجمه آثار ادبی و همچنین همکاری با نشریه‌های فرهنگی - ادبی پرداخت و به جامعه ادبی و بالابردن سطح فرهنگ مردم سرزمین خود کمک‌های شایانی کرد. آنچه بیش از همه موجب شهرت به‌آذین شد، انتشار رمان "دختر رعیت" بود. مهم‌ترین کار به‌آذین در این اثر، آوردن وقایع مهم تاریخی ایران در خلال بیان روایت زندگی روستاییان است. او ضمن بیان زندگی احمدگل که دختر نه ساله‌اش، خدیجه را علیرغم میل باطنی به کار در خانه ارباب می‌گمارد و شرح زندگی این دختر، به قیام جنگل و حوادثی که در طول مبارزه میرزا کوچک خان رخ داده، می‌پردازد.

به‌آذین همراه جلال آل احمد یکی از بنیان‌گذاران کانون بود، اما در اولین سال‌های پس از انقلاب پس از یک جلسه جنجالی از کانون اخراج شد؛ در پی آن عده‌ای از نویسندگان نیز در اعتراض به این ماجرا از کانون استعفا دادند. درباره جلسه جنجالی و طولانی کانون نویسندگان که منجر به اخراج به‌آذین شد، در داخل ایران کم گفته شده است، اما همان اندک هم که گفته شده، اغلب از زبان دیگران و گاهی رقبای به‌آذین بوده است و جای سخن خود او در این میان خالی است. آنان که تاریخ کانون نویسندگان را نوشته‌اند، به این ماجرا اشاره کرده‌اند، از جمله محمدعلی سپانلو هم در گفت‌وگوهایش و هم در کتاب سرگذشت کانون نویسندگان ایران.

دعواهای اهل کانون در روزهای آغازین پس از پیروزی انقلاب بدون تردید از خارج از کانون سرچشمه می‌گرفت و بیشتر متأثر از دعوای سیاسی نویسندگان بود تا دعوای صنفی. حزب توده که برخی کانونیان، به‌آذین را به آن منتسب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

می‌دانستند و این انتساب در رأیشان نیز بی‌تأثیر نبود. او در اوایل انقلاب به حمایت از امام خمینی و انقلاب اسلامی پرداخت. محمدعلی سپانلو از جمله کسانی است که اعتقاد دارد در آن جلسه جنجالی، اعضاء به این دلیل به اخراج به‌آذین رأی دادند که می‌خواستند کانون مستقل از احزاب فعالیت کند. او که پس از اشاره به این موضوع، بلافاصله بر شرافت به‌آذین و زحمت‌هایی که او برای کانون کشیده است صحه می‌گذارد.

به‌آذین در این باره جز کلیات چیزی نگفته است، اما حتماً جزئیات اتفاقات را در خاطراتش نوشته است. بازخوانی حوادث جلسه کانون می‌تواند بسیاری از حوادث بعدی و فعلی کانون را روشن کند و علت بسیاری از وقایع قبلی و فعلی را از میان داستان‌ها و افسانه‌هایی که بر سر زبان‌هاست، استخراج کند، زیرا به‌آذین بر خلاف بسیاری از نویسندگان و سیاست‌مداران این مرز و بوم، در خاطره‌نویسی بسیار تواناست. همین خاطره‌نویسی است که در از هر

دری سخنی و مهمانی آقایان و... آمده است و جلد سوم آن هنوز در گیر و دار ممیزی است. خاطره‌نویسی در ایران اگر چه در سال‌های اخیر روبه رشد بوده است، اما کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برای مردمی که حافظه تاریخی ندارند و از تجربه‌هایی که به قیمت جان‌های بسیار و رنج‌های فراوان به دست آمده است، بهره‌ای نمی‌برند و به قول آن شاعر تا سرمان به سنگ نخورد، سنگ را باور نمی‌کنیم، صرف وقت برای نوشتن خاطره - آن هم از جنس نوشته‌های به‌آذین که هم منصفانه‌تر و شفاف‌تر است و هم با نثری پخته- در خور قدردانی بسیار است، حال آن که قدرش را ندانسته‌اند. امتیاز به‌آذین نسبت به نسل مترجمان فرهیخته‌ای چون دریابندری، قاضی، نجفی و... نه ترجمه‌های خوب، که زندگی سخی است که به تجربه تبدیل شده است، در جایی به نام از هر دری سخنی و... و زیسته‌های دشوار او به تجربه‌های آسان‌یاب ما پیوسته است، به شرط آن که قدرش بدانیم. اگر چه زمین نوآباد و دن آرام و جان شیفته و... خوب ترجمه شده‌اند و آثار بزرگی هستند، اما آن چه به‌آذین را به‌آذین کرده است، زندگی او و روزگار دشواری است که از سر گذرانده و آنچه او را از دیگر مترجمان خوبی که حتی همین دشواری‌ها را از سر گذرانده‌اند، متمایز می‌کند، تبدیل این دشواری‌ها به متن است، به متن خاطره‌ها و تجربه‌های ما. و همین واکنشی است علیه فراموشی تا دوباره به دام تکرارش نیفتیم.

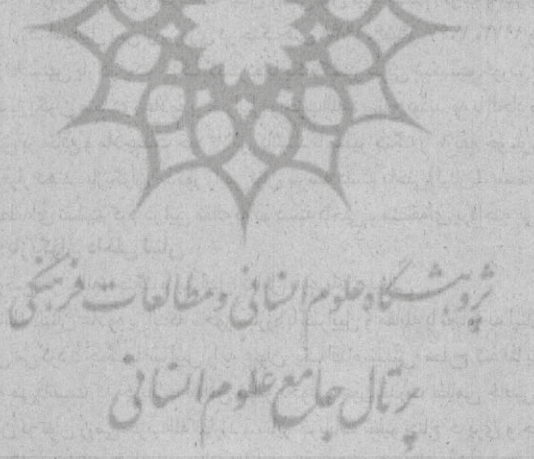
### جشن ۷۰ سالگی ممیز و بی جشن شدن جایزه کاوه گلستان

آذر پارسال بود که ممیز پس از ۲ سال بیماری از دنیا رفت. خیلی‌ها از رفتن او ناراحت شدند. همکارانش در نشریه تخصصی گرافیک ( نشان ) نیز همین‌طور. او آرزو داشت برای ۷۰ سالگی اش جشن بزرگ و باشکوهی بگیرد. این سبب شد خانواده و همکارانش جشنی بزرگ بر پا کنند. به دوستان و همکاران هم دوره‌ای ممیز در ایران و سراسر جهان نامه‌ای نوشته شد و درخواست شد تا به این مناسبت اثری بفرستند. نتیجه یک اتفاق بزرگ بود. ۳۵ هنرمند گرافیکست

جهان آثار خود را در کنار ۶ رفیق ایرانی گرمابه و گلستان ممیز به او که رفته بود تقدیم کنند. این نمایشگاه ۴ تا ۱۱ شهریور در خانه هنرمندان برپا بود احصایی، کیارستمی، حقیقی و... در جشن روز ۴ شهریور آمدند در کنار مردم اما هیچ کس نبود تا شمع‌هایی که نبود را فوت کند.

اما این روزها گالری داران با اتفاق دیگر روبرو هستند آنان به مانند ۸ سال پیش باید آثار خود را برای ارزیابی به ارشاد ارائه دهند و در صورت دریافت مجوز امکان نمایش آثار وجود دارد.

این مسأله سبب می‌شود تا یکی از جویز بزرگ عکاسی ایران یعنی جایزه کاوه گلستان بدون نمایشگاه برگزار شود. چرا که کاتالوگ آن مجوز نگرفت و بهروز غریب پور مدیرعامل خانه هنرمندان که با سختی‌های زیادی برای اداره تنها مکان فرهنگی باقی مانده از دوران خاتمی تلاش بسیاری کرده است تصمیم بگیرد برگزاری نمایشگاه را منتفی اعلام کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی